

گام‌های کاربردی سازی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی

مهدی حمزه‌پور

عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

mhamzehpoor@isu.ac.ir

مهدی عزیزی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

seyedmahdiazizi@gmail.com

چکیده

کاربردی‌سازی نظریات مدیریت یکی از مهم‌ترین اقدامات و راهی برای استفاده از نظریات و آموزه‌های متعدد علم مدیریت در عرصه عمل است. در این میان، مدیریت اسلامی نیز برای رسیدن به چنین هدف مهمی باید تلاشی فزاینده داشته باشد. عرصه تصمیم‌گیری از سویی به عنوان محوری‌ترین موضوع مدیریت و از سوی دیگر به منزله قلمرویی که بیش از همه می‌تواند به اسلامی یا غیراسلامی متصف گردد، بیش از همه نیاز به کاربردی و عملیاتی شدن دارد. در واقع با کاربردی ساختن نظریه تصمیم‌گیری اسلامی، می‌توان بخش گسترده‌ای از فعالیت‌های مدیران اجرایی مسلمان را اسلامی‌سازی کرد. در این پژوهش با در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی به عنوان مبنای اساسی از روش مبنای‌گرایی که از مهم‌ترین روش‌های پژوهش و تولید علم در مدیریت اسلامی است، استفاده شده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی گام‌ها و اقدامات لازم برای کاربردی ساختن نظریه تصمیم‌گیری از منظر اسلامی است. در این راستا هر یک از گام‌های شناسایی شده، نخست تبیین شده و سپس چگونگی اجرایی کردن آنها برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی تشریح گشته است.

کلید واژگان: مدیریت اسلامی، تصمیم‌گیری اسلامی، تصمیم‌گیری کاربردی، تصمیم‌گیری ارزش‌مدار.

مقدمه

مدیریت علمی عملیاتی و کاربردی است که تنها با استفاده توأمان از دو بال علم و فن می‌توان در آن به موفقیت رسید. در این زمینه مهم‌ترین مسئله، اتصال این دو بال اساسی مدیریت به یکدیگر است. لذا تاکنون کاربردی‌سازی نظریات مدیریت پژوهشگران بسیاری را به خود جذب کرده است. پژوهشگران فراوانی با اجرای پژوهش‌های مختلف و با استفاده از راهبردهای گوناگون کوشیده‌اند راهی برای استفاده از نظریه‌ها و آموزه‌های متعدد علم مدیریت در عرصه عمل پیدا کنند. تصمیم‌گیری شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده انسان از دیگر موجودات باشد؛ چراکه امری برآمده از اختیار و فعالیت‌های دامنه‌دار و پیوسته ذهنی و روانی است. تفاوت ما انسان‌ها نسبت به هم، به تفاوت و میزان کیفیت تصمیماتی است که در هر زمان در پیش می‌گیریم. به عبارت دیگر، نوع تصمیماتی که می‌گیریم به شدت به قدرت ذهنی ما بستگی دارد. اینطور می‌توان تشریح کرد که هر انسانی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که خداوند حکیم در وجود او به ودیعه گذارده است، صاحب شخصیتی متمایز و یکتا نسبت به دیگر موجودات و از جمله انسان‌هاست. در این میان، هسته مرکزی تصمیم‌گیری در وجود انسان‌ها، مدل یا مدل‌های ذهنی برآمده از ویژگی‌های وراثتی، محیطی و موقعیتی است (حمزه‌پور، ۱۳۹۳).

از جمله این تلاش‌ها می‌توان به طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تصمیم‌گیری اشاره کرد. در این عرصه پژوهشگران پرشماری کوشیده‌اند پیشنهادهایی را برای توانمندسازی مدیران در استفاده آسان از نظریات علمی در تصمیم‌گیری‌های سازمانی خود ارائه دهند. حاصل تلاش‌های این پژوهشگران منجر به ایجاد عرصه‌های مختلفی در دانش تصمیم‌گیری سازمانی از جمله تصمیم‌گیری عقلانی محدود، تصمیم‌گیری رضایت‌بخش و تصمیم‌گیری غیرعقلایی شده است که در ادامه این مقاله با هر یک از این موارد بیشتر آشنا خواهیم شد.

در این میان، مدیریت اسلامی نیز برای رسیدن به چنین هدف مهمی باید تلاشی فزاینده داشته باشد. عرصه تصمیم‌گیری از سویی به عنوان محوری‌ترین موضوع مدیریت (عزیزی، ۱۳۹۴)، و از سوی دیگر به منزله عرصه‌ای که بیش از همه می‌تواند به اسلامی یا غیراسلامی متصف شود، بیش از همه نیاز به کاربردی و عملیاتی شدن دارد.

از آنجا که تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مدیریت است و بسیاری از نظریه‌پردازان مدیریت را مساوی با تصمیم‌گیری دانسته‌اند، کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اهمیت بیشتری نسبت به دیگر نظریات مدیریت می‌یابد. از سوی دیگر واضح است که تصمیم‌گیری یکی از پرسامدترین فعالیت‌های هر مدیر است. شاید بسیاری از مدیران تنها یک بار سازماندهی کنند؛ هر چند سال یک

بار راهبردی را تدوین نمایند یا فرایندهای خود را بازمهندسی کنند؛ اما تصمیم‌گیری کار هرروزه مدیران است. با این توصیف، کاربردی ساختن نظریات تصمیم‌گیری، بیش از هر چیز ضرورت دارد. علاوه بر این باید توجه داشت که تصمیم‌گیری یکی از ارزشی‌ترین فعالیت‌های مدیریت است. تصمیم‌گیری تقریباً در همه مصادیق اجرایی خود مشحون از ارزش‌ها و نظریه‌هاست؛ و لذا بیش از هر فعل دیگری در مدیریت، می‌تواند متعلق وصف اسلامی یا غیراسلامی قرار گیرد. این مسئله ضرورت کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی را روشن می‌سازد. در واقع با کاربردی ساختن نظریه تصمیم‌گیری اسلامی، می‌توانیم بخش عظیمی از فعالیت‌های مدیران اجرایی مسلمان را اسلامی‌سازی کنیم. به‌علاوه باید توجه کنیم که تصمیم‌ها در اغلب موارد، از منظر معیارهای اسلامی، حساسیت بالایی دارند. برای نمونه اگر مدیری مسلمان در عرصه استخدام، ارتقا و دیگر عرصه‌های مرتبط با منابع انسانی تصمیم‌گیری مخالف معیارهای دینی داشته باشد، در ورطه هولناک حق‌الناس می‌افتد و نتایج نامطلوب فراوانی در انتظارش خواهد بود. توجه به این مسئله، اهمیت کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی را روشن می‌سازد.

در این راستا پرسش اصلی این پژوهش بدین قرار خواهد بود: برای کاربردی ساختن نظریه تصمیم‌گیری از منظر اسلامی، چه گام‌هایی باید پیموده و چه اقداماتی باید انجام شود؟

۱. پیشنهاد پژوهش

مسائل اخلاقی و اعتقادی جایگاهی ویژه در مدیریت دارند و حتی در پژوهش‌های بسیار کاربردی نیز به مسائل اخلاقی اعتقادی پرداخته می‌شود (گاردنر، ۲۰۰۷، ص ۵۱). موضوع تصمیم‌گیری از منظر اسلامی همانند بسیاری از مفاهیم کلیدی و کاربردی رایج در عصر حاضر مانند بهره‌وری و به‌ویژه بهره‌وری سبز (ر.ک: حمزه‌پور، ۱۳۹۲)، مدیریت دانش (حمزه‌پور و جوادی، ۱۳۹۴)، مدیریت مالی، مدیریت رفتار سازمانی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت راهبردی، مدیریت بازاریابی، بیمه (مانند بیمه تکافل اجتماعی) (حمزه‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) و... دارای صبغه اسلامی هستند و البته با رویکردهای متفاوت در تحقیقات مختلفی مورد توجه بوده‌اند.

جوادی آملی عوامل پنج‌گانه مشورت، آرامش، طمأنینه، توجه به حضور در محضر الهی و بررسی دقیق و همه‌جانبه مسئله مورد تصمیم‌گیری را به عنوان معیارهای اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۲). در پژوهش دیگری به تأثیر عقیده جبری و یا اختیاری بر روی تصمیم‌گیری اشاره شده است، و اعتقاد شیعه درباره این مسئله به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های یک مدیر شیعه معرفی شده است (علوی، ۱۳۸۶). در مطالعه‌ای

دیگر درباره تصمیم‌گیری اسلامی، بر معیارهای اخلاقی تصمیم‌گیری تمرکز و معیارهای متعددی چون توکل، حق‌گرایی، عدالت، کرامت، تواضع، سخاوت، نظم، وجدان، ساده‌زیستی، شرح صدر و حسن خلق اشاره شده است. البته در این پژوهش مدلی که از فرایندی روشمند به دست آمده باشد ارائه نشده است (اکبری و رمضان، ۱۳۹۱). در پژوهشی دیگر به نقش محوری عدالت در تصمیم‌گیری اسلامی پرداخته شده و تلاش شده تا به معیارهای عدالت و ادراک عدالت پرداخته شود (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین مشورت، آینده‌نگری، حق‌محوری، توکل و قاطعیت از عوامل اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری مطابق نظر گروه دیگری از پژوهشگران بوده است (بهشتی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). در جدول زیر شرح مختصری از مهم‌ترین این پژوهش‌ها ارائه شده است:

جدول ۱: تصمیم‌گیری اسلامی، دیدگاه‌ها، تعاریف و ویژگی‌ها

منبع	دیدگاه و تعریف	ویژگی
(علوی، ۱۳۸۶)	تصمیم‌گیری اسلامی صحیح، بر اساس نگرش لا جبر و لا تفویضی شکل می‌گیرد	نگرش مبنایی
(رحیمی و فرقانی، ۱۳۹۴)	بر اساس رویکرد فقهی مرسوم، یعنی فقه جواهری بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری در عرصه مدیریت قابل پاسخ‌گویی است؛ که از این میان می‌توان به مصلحت و جایگاه آن در تصمیمات مدیریتی اشاره کرد.	نگرش فقهی
(دهقانی و همکاران، ۱۳۹۱)	عدالت اسلامی، محور تصمیم‌گیری اسلامی است و ادراک عدالت نیز نقشی اساسی دارد.	نگرش اجتماعی
(عظیمی و همکاران، ۱۳۹۱)	بخشی از تصمیم‌گیری اسلامی مرتبط با اخلاقیات است که در ارتباط با فرودستان، همکاران و مدیران و مراجعه‌کنندگان شکل می‌گیرد و تمامی این موارد تحت تأثیر محیط سازمان هستند.	نگرش اخلاقی
(جوادی آملی، ۱۳۷۲)	مشورت، آرامش و طمأنینه، توجه به حضور در محضر الهی و بررسی دقیق و همه‌جانبه، معیارهای تصمیم‌گیری اسلامی‌اند.	چندبعدی
(عزیزی و رازینی، ۱۳۹۴)	آموزه‌های اسلامی در هر سه عرصه احکام، اخلاق و اعتقادات در تصمیم‌گیری مؤثر است، که تقدم و تأخر آنها در مدل تصمیم‌گیری اسلامی ارائه شده است؛ اما بصیرت محوری‌ترین آموزه مؤثر در تصمیم‌گیری اسلامی است.	نگرش همه‌جانبه + اولویت‌بندی آموزه‌ها

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. تصمیم‌گیری

در اصطلاح تخصصی، تصمیم‌گیری جوهره علم مدیریت معرفی، و تعاریفی مختلف از آن ارائه شده است (برای نمونه، ر.ک: سایمون، ۱۹۶۰، ص ۱۳۴؛ دفت، ۱۳۹۰، ص ۴۲۵؛ عزیزی، ۱۳۹۴). همچنین نظریه پردازان بزرگی چون سایمون و پیتر دراگر مدیریت را مساوی با تصمیم‌گیری دانسته‌اند (باقریان، ۱۳۸۰، ص ۶۰). از سوی دیگر باید تأکید کرد که هر تصمیمی متأثر از - و یا حتی نتیجه مستقیم - اعتقادات و تفکرات تصمیم‌گیرنده است (عزیزی، ۱۳۹۲). لذا پرداختن به مبنای تصمیم‌گیری، چه تصمیم‌گیری متداول (که در این پژوهش تلاش شده است تا نشان داده شود که مبنای آن فایده‌گرایی است) و چه تصمیم‌گیری اسلامی (که بر اساس آموزه‌های اسلامی از جمله مبنای رشد اسلامی استوار است) سودمند و ضروری است. از سوی دیگر باید یادآور شد که در این پژوهش، از میان تعاریف مختلف تصمیم‌گیری، به همان فهم مرسوم مدیریتی از تصمیم‌گیری توجه شده و به عبارتی تصمیم‌گیری، هم‌معنای اراده کردن فرض شده است (سایمون، ۱۹۶۰، ص ۱۳۴).

۲-۲. حجیت

حجیت به طور کلی به معنای صلاحیت یک امر برای استفاده و استناد به عنوان دلیل شرعی است (بدری، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲۸). به عبارت بهتر اگر حجیت مطلبی ثابت شود، آن مطلب می‌تواند دلیلی برای صحت یک عمل از نظر شرعی باشد. بحث حجیت در اصول فقه در موارد فراوانی به کار می‌رود که از جمله آنها حجیت خبر واحد، حجیت ظاهر و حجیت قطع است. در این پژوهش یکی از زیرمجموعه‌های بحث حجیت ظاهر مورد استفاده و توجه بوده است. برای روشن شدن این مطلب باید معنای عبارات تخصصی اصولی ذیل را نیز مد نظر قرار داد. حجیت ظاهر در اصول فقه، به معنای حجیت ظاهر ادله شرعی لفظی (و نیاز به دلیل برای کنار گذاشتن ظاهر نصوص) است (حسینی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۵) که بخشی از این ظاهر با احکام ظاهری مرتبط است.

باید افزود که حکم واقعی، حکمی است که با استفاده از ادله قطعی و یقینی (مثل خبر متواتر تفصیلی) منظور شارع را درباره یک موضوع به دست آورده باشد (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۲۱). حکم ظاهری نیز به معنای حکمی است که در نبود حکم واقعی با استفاده از امارات معتبره یا اصول به دست می‌آید (حسینی، ۲۰۰۷، ص ۱۵۰). واضح است که امارات معتبره نیز به معنای نشانه‌ها و طرقی (همچون خبر واحد ثقه) هستند که می‌توان به وسیله آنها نسبت به حکم واقعی ظن پیدا کرد، و مطابق فقه شیعه امارات معتبره حجیت اعتباری از جانب شارع دارند (آخوند خراسانی،

۱۴۱۳، ص ۲۷۵). در صورت عدم دسترس به امارات باید به اصول عملیه یا ادله فقاهتی (مثل اصل استصحاب یا برائت) مراجعه کرد، که این اصول نیز دارای حجیت اعتباری هستند (صدر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱؛ انصاری، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۵).

۲-۳. مصلحت

مصلحت به معنای خیر، صلاح و صواب، برگرفته از ماده «صلح» است (دهخدا، ۱۳۷۵). لغت‌دانان در توضیح این واژه نوشته‌اند: «اصلح الدابه» (ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۵۱۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۲۵)؛ یعنی در حق چهارپا نیکی کرد و به آن سامان داد. برخی لغت‌دانان مصلحت را هم‌نهیشت با واژه منفعت دانسته‌اند و آن را به نفعی که اثرش باقی باشد، معنا کرده‌اند (عسگری، ۱۴۱۲، ص ۲۰۶).

مصلحت یکی از پرکاربردترین واژگان مورد استفاده در تصمیم‌گیری است. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، مطابق نظریه کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی، توجه به مصلحت به عنوان دومین گام برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی، پس از رعایت حجیت مهم‌ترین جایگاه را در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری دارد. در واقع در گام پیشین با حجیت‌محور ساختن تصمیم‌گیری، مهم‌ترین عامل در کاربردی شدن یک نظریه تصمیم‌گیری را فراهم کردیم. این عامل همان‌طور که پیش از این به تفصیل گذشت، فراهم کردن نفع واقعی تصمیم‌گیرندگان بود. حال در این گام لازم است عامل مهم دیگر در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری را که دارای مهم‌ترین نقش در فراگیری کاربرد یک نظریه تصمیم‌گیری است، برای تصمیم‌گیری اسلامی فراهم آوریم. این عامل، توجه به نفع عمومی و نفع جامعه است. در نظام تصمیم‌گیری اسلامی، همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، این عامل به وسیله توجه به مصلحت در تصمیم‌گیری‌ها تأمین می‌شود.

باید توجه داشت که مصلحت در ادبیات دینی و گفتمان سیاسی اداری اسلامی ما جایگاهی ویژه دارد؛ به گونه‌ای که رعایت مصلحت در تصمیمات، بدون آشنایی با این جایگاه ممکن نیست. گفتنی است که در فرهنگ ایران اسلامی نیز توجه به مصلحت هنگام تصمیم‌گیری و اجرای امور، از مسائل بسیار مورد تأکید بوده است. برای نمونه میراث ادبی فرهنگ فارسی مملو از تأکید به ملاحظه مصلحت هنگام انجام کارهاست؛ همان‌طور که حافظ می‌گوید:

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

۴-۲. الغای خصوصیت

الغای خصوصیت، یکی از اصطلاحات تخصصی در علم اصول فقه است که البته در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی نیز ضرورت دارد. معنای لفظی الغای خصوصیت، حذف اوصاف و ویژگی‌های یک شیء است؛ اما در اصول فقه، الغای خصوصیت به معنای حذف اوصاف و ویژگی‌هایی است که در دلیل حکم، همراه موضوع هستند اما نزد عرف یا به قرآینی دخالته در ثبوت حکم برای آن موضوع ندارد و نتیجه آن، شمول حکم نسبت به موضوعاتی است که فاقد آن اوصاف است.

باید افزود الغای خصوصیت، یا الغای فارق، از راه‌هایی است که مجتهد به وسیله آن قصد شارع یا قانون‌گذار را از نص وی، فهم و استخراج می‌نماید و حکم آن را به موارد و موضوعات دیگری که در مورد آن، نص وجود ندارد و گمان می‌شده است که این حکم به آنها ارتباط ندارد، سرایت می‌دهد. در الغای خصوصیت نسبت به مورد و موضوع نصی که از سوی شارع وارد شده، مجتهد همه ویژگی‌های موضوع یا مورد حکم را بررسی می‌کند و آن ویژگی‌هایی را که یقین دارد تعلق حکم به موضوع به علت وجود آنها در موضوع نبوده است، یکایک ملغا می‌نماید و از این طریق افراد بیشتری را در موضوع وارد می‌سازد و عمومیت آن را گسترش می‌دهد. بدین صورت، مجتهد حکم موضوعات دیگری را که درباره آنها نصی وجود نداشته و در تعلق این حکم به آنها تردید وجود دارد، روشن می‌سازد. برای مثال، در جایی که شارع می‌گوید: «ان سافرت بین مکة والمدینة ثمانية فراسخ فقصر» (اگر بین مکه و مدینه به قصد سفر، هشت فرسخ را پیمودی نماز خود را شکسته بخوان) مجتهد از طریق الغای خصوصیت، حکم را به هر سفری که هشت فرسخ یا بیشتر باشد، سرایت می‌دهد؛ زیرا برای مکه و مدینه خصوصیتی در تعلق حکم قصر نمی‌بیند و آنها را الغا می‌کند و حکم را به سفر هشت فرسخی اختصاص می‌دهد، چه بین مکه و مدینه باشد و چه هر جای دیگر.

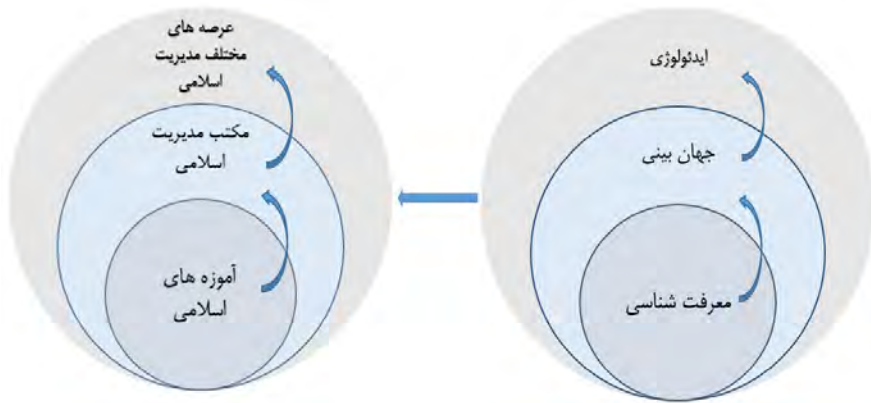
برای مثال، آیه (وَالَّذِينَ يَزُمُونَ الْمِحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً) (نور: ۴) حدّ قذف‌کننده زنان محصنه را بیان می‌کند و نسبت به قذف‌کننده مردان محصن ساکت است؛ اما با الغای خصوصیت زن بودن، حد یادشده نسبت به قذف‌کننده مردان نیز جاری می‌شود. البته باید یادآور شد که القای خصوصیت بیشتر در سیره و در دریافت احکام از افعال معصومین اهمیت دارد. باید افزود که شرط الغای خصوصیت آن است که اوصاف و ویژگی‌های مذکور در دلیل حکم، بر حسب فهم عرف (به عنوان تبیین‌کننده موضوع حکم شرعی) یا قرآینی داخلی یا خارجی، دخالته در ثبوت حکم برای موضوع نداشته باشند (نائینی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۵). این

نوع الغای خصوصیت، صحیح و معتبر است و نقش مهمی در استنباط احکام دارد؛ زیرا در موارد بسیاری، توسعه دایره دلیل حکم، بر الغای خصوصیت متوقف است و بدون آن، حکم درخور توجهی از موضوعات به دست نمی‌آید.

۳. روش پژوهش

شرایط خاص این تحقیق، استفاده هم‌زمان از دو روش را لازم داشته است. از سویی در فرایند استخراج گام‌ها از روش مبنائگرایی استفاده شد. مبنائگرایی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش و تولید علم در مدیریت اسلامی است (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶). برای جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با افراد صاحب‌نظر استفاده شده است. همچنین راهبرد نظریه‌پردازی در این پژوهش استفاده از رهیافت مبنائگرایی بوده است. مبنائگرایی معرفت‌شناختی بر این اصل مهم استوار است که معرفت به صورت لایه‌لایه و دارای هسته و پوسته است، و روبناها بر مبنای لایه‌های زیربنایی شکل می‌گیرند (خندان، ۱۳۸۸). ریشه مبنائگرایی را باید در اندیشه اقلیدس اسکندرانی^۱ (سیصد سال پیش از میلاد) یافت. یک نمونه و نتیجه از مبنائگرایی نیز اتقان بی‌نظیر هندسه اقلیدسی است که آوازه‌ای جهانی دارد (خندان، اثر منتشر نشده). به‌علاوه این نگاه در بسیاری از علوم دیگر دنبال شده است (گرینبرگ، ۱۳۶۳، ص ۷-۲۰). گفتنی است که در عرصه علوم انسانی اسلامی نیز مبنائگرایی مورد توجه ویژه بوده است (خندان، ۱۳۸۸). شهید مطهری با تقسیم‌بندی آموزه‌های دینی به سه بخش جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و ایدئولوژی، وضعیت لایه‌لایه این سه بخش را این‌گونه شرح می‌دهند: «ایدئولوژی هر مکتب مبتنی است بر جهان‌بینی آن و جهان‌بینی آن مبتنی است بر نظریه‌اش درباره معرفت» (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰). به همین نحو در عرصه مدیریت اسلامی نیز باید قائل به لایه‌های معرفت باشیم. در نگاره شماره ۱، تلاش شده است تا وجود لایه‌های معرفت در اندیشه دینی و مدیریت اسلامی نمایش داده شود:

نگاره شماره ۱. لایه‌های معرفت در اندیشه دینی و مدیریت اسلامی



در این پژوهش نیز؛ با در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی به عنوان مبنای اساسی؛ و نگرش به مدیریت اسلامی به مثابه یک مکتب تلاش شده است تا گام‌های لازم برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی شناسایی شود. باید افزود که روش مترقی مبنایابی - مانند دیگر روش‌های پژوهش نوین - به سبب فرایند پیچیده تحلیلی استنباطی با حفظ اصول خود در هر پژوهش مطابق شرایط آن انعطاف‌هایی نیز به خرج می‌دهد (لاو، ۲۰۰۴، ص ۱۰۶)؛ که این پژوهش نیز از این مسئله مستثنا نیست و پیچیدگی مسئله سبب شده است تا فرایند شناخت و تحلیل در چند مرحله متعدد صورت پذیرد.

سرانجام در فرایند این پژوهش، برای افزایش روایی و پایایی نتایج، از شیوه گروه تمرکز - که از روش‌های مرسوم برای چنین پژوهش‌هایی است (هنیک، ۲۰۰۷، ص ۱) - استفاده شده است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مسئله کاربردی‌سازی و تسهیل استفاده از نظریات در عرصه عمل، یکی از مهم‌ترین مسائل برای دانش اجرایی مدیریت است. حتی پیچیده‌ترین موضوعات علوم طبیعی مانند پارادایم نیوتنی و کوانتومی، ورود اساسی و کاربردی در علوم مدیریت کرده‌اند. دو پارادایم مهم یعنی پارادایم نیوتنی و کوانتومی به طور جدی نظریه‌ها و الگوهای سازمانی را متأثر ساخته‌اند (حمزه‌پور، ۱۳۹۱؛ همو، ۱۳۹۳). در این بخش ضمن توجه به این مسئله کلی، باید دلایل خاص اهمیت کاربردی‌سازی نظریات و آموزه‌های تصمیم‌گیری - به عنوان یکی از عرصه‌های دانش مدیریت - را کانون توجه و تبیین قرار دهیم. به این منظور لازم است بار دیگر نگاهی به مفهوم تصمیم‌گیری داشته باشیم و در

نتیجه این نگاه، ضرورت حیاتی کاربردی‌سازی این عرصه را تبیین کنیم. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، تصمیم‌گیری جوهره علم مدیریت است (عزیزی و رازینی، ۱۳۹۴) و در ساده‌ترین و از قضا معتبرترین این تعاریف تصمیم‌گیری مترادف با اراده کردن معرفی شده است (سایمون، ۱۹۶۰، ص ۱۳۴). صرف‌نظر از این تعاریف گوناگون، باید به پیچیدگی تصمیم‌گیری توجه کنیم. از سویی ماهیت تصمیم‌گیری و از سوی دیگر حتی شناخت تصمیم‌گیرندگان در تصمیم‌گیری‌های سازمان، پیچیده و بغرنج است (مینتزبرگ، ۲۰۰۷، ص ۴). این پیچیدگی تناسبی با ماهیت عملیاتی و اجرایی دانش و اقدام مدیریت ندارد. به همین منظور، نظریه‌پردازان مختلف پیشنهادها را گوناگونی برای ساده‌سازی تصمیم‌گیری ارائه داده‌اند. در این میان، مهم‌تر و پیش از همه، باید به نظریه تصمیم‌گیری رضایت‌بخش سایمون اشاره کرد. این نظریه در مقابل نظریه تصمیم‌گیری بهینه یا عقلایی، که در آن فرض می‌شد بهترین تصمیم، تصمیمی است که در آن تمامی معیارها به طور کامل بررسی شوند و گزینه انتخابی در همه معیارها حداکثر امتیاز را داشته باشد، ارائه شده است. این رویکرد تصمیم‌گیری با انتقادات بسیار متعددی روبه‌رو شده است (باداراکو، ۲۰۱۶). در این میان نظریه رضایت‌بخشی سایمون یکی از نظریات جای‌گزین برای تصمیم‌گیری عقلایی است. بر اساس نظر سایمون، دنیا به قدری پیچیده است که یک مدیر نمی‌تواند تمام اطلاعاتی را که در یک رابطه قابل جمع‌آوری است بررسی و تحلیل کند و باید به عقلانیت محدود رضایت دهد و تنها به میزانی «رضایت‌بخش و مکفی»،^۲ به تحلیل‌های خود پیش از اخذ تصمیم ادامه دهد. به عبارت بهتر، سایمون می‌گوید: پاسخ عقلایی در مقابل شرایط اجمال اطلاعات بنیادی و محدودیت توانایی ذهنی، این است که به جای اینکه به دنبال گزینه‌های عالی و کامل باشیم، تصمیم‌هایی را که به اندازه کافی خوب هستند برگزینیم (سایمون، ۱۹۹۷). هرچند سایمون تأکید فراوانی بر پیچیدگی جامعه و محیط و مسائل مورد تصمیم‌گیری داشت، اما جالب است که نظریه‌پردازان بعدی نه تنها این دریافت او را افراط ندانسته‌اند، بلکه پا را فراتر نهاده و استدلال کردند که حتی سایمون نیز پیچیدگی مسائل و محیط را دست‌کم گرفته است؛ لذا برای اجرایی‌سازی تصمیم‌گیری، به نظریاتی نیاز داریم که بیش از عقلانیت محدود سایمون مسائل را ساده‌سازی و قابل اجرا کنند (هندری، ۲۰۱۳^۳، ص ۹۵). در همین راستا نظریه‌پردازان ایده

1. Joseph L. Badaracco
2. Satisfice (satisfy + suffice)
3. John Hendry

معنابخشی^۱ در مدیریت را معرفی کردند (ویک، ۱۹۹۵).

به‌علاوه تلاش‌های جیمز مارچ را نیز می‌توان در راستای اجرایی ساختن نظریات تصمیم‌گیری دانست. او با تأکید بر اهمیت تمایلات و رجحان‌های شخصی و غیرعقلایی افراد یا ملاحظات سیاسی آنها اقدام به معرفی تصمیم‌گیری بر اساس توافق کرد (مارچ، ۱۹۸۸). شکل افراطی‌تر همین رویکرد در نظریاتی چون نظریه تصمیم‌گیری به مثابه سطل زباله-انسانی از گرایش‌ها و ترجیحات عقلایی، احساسی، اجتماعی، سیاسی و... بازتاب یافته است (کوهن^۲ و همکاران، ۱۹۷۲). همچنین، ایده تصمیم‌گیری اقتضایی به عنوان اجرایی‌ترین مدل تصمیم‌گیری نیز در زمره این آثار قابل توجه است (پاگ، ۲۰۰۸^۳، ص ۳۰۹).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، به رغم تمامی این آثار ماندگار در مدیریت متداول به منظور کاربردی‌سازی و اجرایی‌سازی نظریات تصمیم‌گیری، متأسفانه در مدیریت اسلامی به این عرصه کم‌توجهی شده است؛ لذا شایسته است که آثار فراوانی مانند اثر حاضر برای جبران این خلأ (کاربردی‌سازی و اجرایی‌سازی نظریات تصمیم‌گیری اسلامی) نگاشته شود.

در ادامه می‌کوشیم گام‌های لازم را برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی به صورت فرایندی ارائه دهیم. به این منظور با استفاده از روش میناگرایی، گام‌های زیر برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور استخراج شدند: ۱. اجماع بر نظریه تصمیم‌گیری اسلامی، ۲. حجیت‌محور ساختن تصمیم‌گیری اسلامی، ۳. متوجه مصلحت ساختن تصمیم‌گیری اسلامی، ۴. سیره‌پژوهی عملیاتی، ۵. القای خصوصیت.

در ادامه به ترتیب به تبیین هر یک از این گام‌ها و چگونگی اجرای آنها می‌پردازیم.

۱-۴. گام اول: اجماع بر نظریه تصمیم‌گیری اسلامی

نظریه‌پردازان و اندیشمندان متعدد درباره چیستی تصمیم‌گیری از منظر اسلام نظرات مختلفی دارند و برای ارائه نظریه تصمیم‌گیری اسلامی نمی‌توان هیچ‌یک از نظرات این اندیشمندان را نادیده گرفت. به‌علاوه طرح و بررسی کامل همه این نظرات و رسیدن به وجه جمع یا طرد مستدل بعضی از آنها نیز از حوصله یک مقاله خارج است و در این اثر مختصر نمی‌گنجد. به این منظور لازم بود

1. sense-making
2. Weick, Karl
3. Michael Cohen
4. Derek Pugh

برای این گام پژوهش مستقلمی انجام شود که با مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران تصمیم‌گیری اسلامی و سپس تحلیل و بررسی روشمند این مصاحبه‌ها نظریه تصمیم‌گیری اسلامی مورد اجماع را استخراج کند. به همین منظور در این بخش به اختصار گزارشی از چنین پژوهشی که پیش از این توسط نویسندگان به همین منظور انجام شده است، ارائه می‌شود. در پژوهش مورد اشاره، با مصاحبه با صاحب‌نظران مدیریت اسلامی و بررسی آثار کتبی، به صورت روشمند برای طراحی مدل و نظریه تصمیم‌گیری اسلامی تلاش شده و پس از بررسی دقیق مصاحبه‌ها و کدگذاری چندمرحله‌ای با استفاده از مدل پارادایم روش نظریه داده‌بنیاد^۱ نظریه تصمیم‌گیری اسلامی ارائه شده است.

برای استخراج نظریه تصمیم‌گیری مورد اجماع، نخستین گام احصای آموزه‌های اسلامی مؤثر بر تصمیم‌گیری است. به این منظور با بررسی آثار مکتوب و مصاحبه‌ها، نزدیک به هفتاد آموزه اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری استخراج شدند. این آموزه‌ها در جدول زیر نمایش داده شده‌اند:

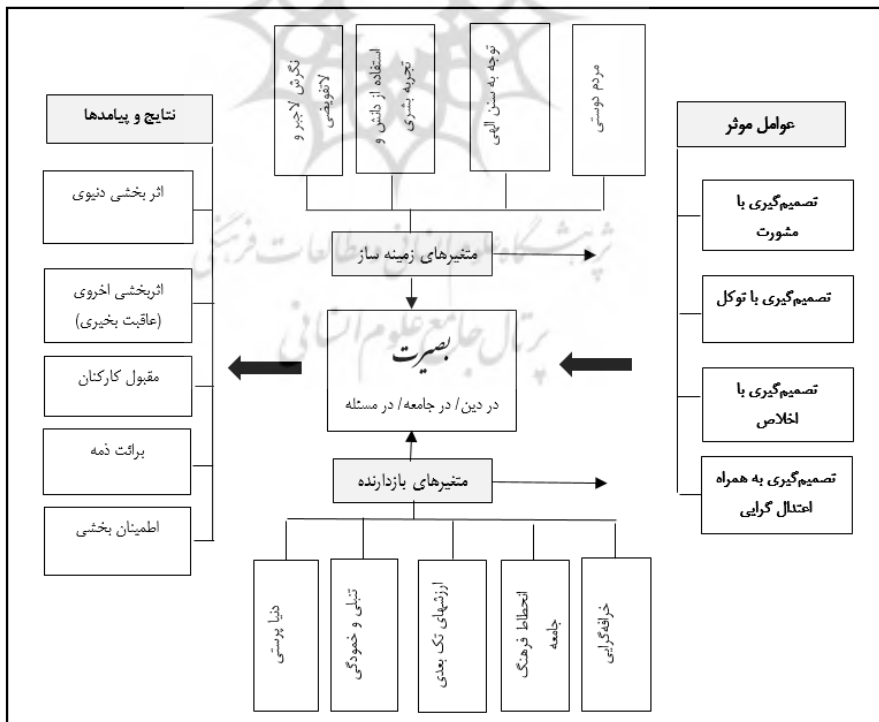
قاعیت/ ثبات رأی	توجه به برائت ذمه	عدم انظلام	سخاوت	توجه به نتایج مادی	معادگرایی/ یاد مرگ
انتقادپذیری	قاعده لطف الهی	عدم تجاوز	توجه به علوم روز	جاذب نظر الهی	خدامحوری و اخلاص/ رضایت الهی
سودگرایی بلندنظرانه/ ملاحظات اخلاقی	پایبندی به احکام الهی	عدم افراط و تفریط	بصیرت	اطاعت از احکام الهی	عدم ویژه‌خواری/ رعایت عدالت
یاد مرگ و معاد	منع اعتقاد به شانس	امانت داری	ایمان	معرفت (شناخت)	توسل
اشراق	منع ارزش‌های تک‌بعدی	وفای به عهد	شناخت درست نظامات و سنن الهی	مردم دوستی	شجاعت
بزرگ‌منشی	منع مادی‌گرایی	عدم غدر	نگرش لاجبر و لاتفویضی	لاضرر	استخاره
صداقت	منع نگرش اومانیستی	عدم استرحام/ عزت	نصرت الهی	لاخرج	خوش‌بینی به مؤمنین

1. Grounded theory

عدم رشوه‌خواری/ پرهیز از حرام	پرهیز از حرام	عدم ارباب	عدالت	تعظیم شعائر الهی	خوش‌بینی نسبت به آینده و تاریخ
تألیف قلوب	استفاده از تجربه	توجه به اولویت‌ها/ اقتضانات زمان و مکان	نگرش صحیح به آزادی و آزادی معنوی/ حذف	قاعده تسلیط	توجه به رأی صاحب‌نظران/ نظر کارشناسی
مصلحت	توجه به اثر بخش	توکل	نظم و به موقع بودن/ سرعت	حرمت هتک مقدسات	مشورت
اعانه	اهم و مهم	احسان	منع تفاخر	بیش توحیدی	صبر

پس از این با تقسیم‌بندی و کدگذاری براساس روش داده‌بنیاد، مدل تصمیم‌گیری اسلامی استخراج شد. گفتنی است از آنجا که پیش از طراحی این مدل با بسیاری از صاحب‌نظران عرصه تصمیم‌گیری اسلامی مصاحبه‌های عمیق انجام، و نظر آنان کسب شد و به‌علاوه به این دلیل که طراحی مدل با روش پذیرفته شده داده‌بنیاد صورت گرفت، می‌توان ادعا کرد که این مدل مطرح‌کننده «نظریه تصمیم‌گیری اسلامی مورد اجماع» است. در ذیل به اختصار به ارائه این مدل می‌پردازیم:

مدل مفهومی تصمیم‌گیری اسلامی (عزیزی، ۱۳۹۴)



برای تکمیل بحث باید مدل را به صورت ذیل روایتگری کرد:

۱-۴. بصیرت، مؤلفه محوری تصمیم‌گیری اسلامی

علاوه بر تأکید صاحب‌نظران مختلف علوم اسلامی بر مسئله بصیرت در مصاحبه‌های انجام‌شده، مسائل و موارد دیگری نیز در انتخاب بصیرت به‌عنوان عامل محوری در تصمیم‌گیری اسلامی تأثیرگذار بود. با بررسی کاربرد لغت بصیرت در کلام معصومین: و بزرگان دین و نیز مراجعه به لغتنامه‌های مختلف می‌توان بصیرت را به روشن‌بینی و بینش عمیق و دقیق و فهم بلندنظرانه معنا کرد. در ادبیات دینی بصیرت جایگاهی ویژه دارد. برای مثال امیر مؤمنان علی علیه السلام در شرایط سخت جنگ صفین می‌فرماید: «کسی توان انجام این وظیفه الهی (جهاد با شامیان) را ندارد، مگر اهل بصیرت و صبر و عالمان به جایگاه‌های حق» (نهج البلاغه، ص ۲۴۱). در واقع از این کلام ایشان می‌توان به اهمیت مسئله بصیرت - به‌ویژه در شرایط پیچیده و حساس و در یک کلام شرایط فتنه‌گون - پی برد. رهبر انقلاب نیز در شرایط مختلفی به جایگاه ویژه مسئله بصیرت اشاره کرده و این عامل را برای فهم شرایط و جوانب مختلف مسائل پیچیده لازم و ضروری دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). با در نظر گرفتن احادیث و روایات مربوط به بصیرت می‌توان چند ویژگی اساسی را برای این عامل ذکر کرد که در انتخاب آن به‌عنوان عامل محوری نقشی بنیادین داشته‌اند:

الف) بصیرت در جامعه

درک شرایط و محیط برای گرفتن هر تصمیمی به‌ویژه تصمیمات مدیریتی بسیار ضروری است. از دیگر سو، در دوران ما پیچیدگی و سرعت تغییر و تحول محیط به‌طور متوالی افزایش می‌یابد. لذا در شرایطی که بیشتر تصمیمات مدیران در محیط‌های نامطمئن گرفته می‌شود، لزوم درک کامل محیط بسیار بیشتر می‌شود و تحقق آن، منوط به بصیر بودن تصمیم‌گیرنده است.

ب) بصیرت در دین

علاوه بر لزوم بصیرت برای فهم شرایط پیچیده، فهم کامل و عمیق دین نیز منوط به داشتن بصیرت است. شاید در محیطی مجازی و خیالی که یک تصمیم هیچ‌گونه شرایط و آثار و عواقب ویژه‌ای ندارد، دانستن صرف احکام شرعی به کار آید؛ اما در شرایط واقعی و در عرصه عمل، تصمیم‌گیری اسلامی حاصل نمی‌شود مگر با داشتن بینشی عمیق، کامل و همه‌جانبه نسبت به اسلام، که به کمک آن بتوان اصول اسلام و روح حاکم بر آموزه‌های مختلف را شناخت. اهمیت این مطلب

هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که به این دقیقه توجه کنیم که همه احکام اسلامی نیز ثابت و قطعی نیستند؛ بلکه اسلام دارای اصولی ثابت است که همیشگی‌اند و برخی مسائل دیگر مانند شکل و قالب هستند و اصالت ندارند، بلکه متوجه شرایط زمانه‌اند (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۳)؛ لذا شناخت منطق اسلام نیز به بصیرت نیاز دارد.

ج) بصیرت در مسئله

از آنجا که ممکن است یک مسئله بسیار حساس و پیچیده توسط فردی فاقد بصیرت نادیده گرفته شود و یا یک مسئله ساده، بی‌جهت بزرگ جلوه کند و بدون دلیل در مقابل آن حساسیت نشان داده شود، در کنار دو بعد یادشده قبل، عامل «بصیرت داشتن نسبت به مسئله» اهمیت دارد. فهم اولویت‌ها، زوایا و ابعاد مختلف مسائل، از محورهای مورد تأکید در این عامل است. به عبارت دیگر تنها تصمیم‌گیرنده بصیر است که می‌داند هر مسئله‌ای چقدر نیازمند توجه و بررسی است و در نتیجه از توجه و صرف وقت و هزینه بیش از حد در مسائل عادی جلوگیری می‌کند و برای مسائل حساس و پیچیده حداکثر بررسی را لازم می‌شمارد.

۲-۱-۴. عوامل مؤثر

در متون اصیل اسلامی بر عوامل توکل، مشورت و اخلاص به طور گسترده تأکید شده است (اعراف: ۸۹، انفال: ۶۱)، علاوه بر این در کلام معصومین: علاوه بر نتایج اخروی به آثار و فواید دنیوی این عوامل نیز اشاره شده است (مصباح الشریعه، ص ۱۶۴). به علاوه این عوامل (به‌ویژه توکل) به طور خاص برای تصمیم‌گیری در شرایط سخت و حساس مورد نیازند. برای مثال امیرالمؤمنین علیه السلام در حین جنگ صفین در هر خطبه‌ای که ایراد می‌فرمود به توکل و اینکه خداوند پشتیبانی کافی است اشاره می‌فرمود (المنقری، ۱۳۷۰، ص ۴۲۹). اعتدال‌گرایی نیز جایگاهی ویژه در آموزه‌های دینی دارد. منظور از اعتدال‌گرایی در این پژوهش چیزی به جز کلام حضرت علی علیه السلام نیست، که می‌فرماید: «چپ و راست انحراف است و راه میانه جاده اصلی است» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۸، ص ۶۸). به عبارت دیگر مراد از اعتدال‌گرایی پرهیز از افراط و تفریط در بعضی آموزه‌های اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری است. لذا اعتدال‌گرایی در بردارنده بسیاری از آموزه‌های مهم است که شاید در ظاهر در تضاد با هم و یا دوسر یک طیف باشند (همچون صداقت و رعایت مصلحت، واقع‌بینی و آرمان‌گرایی، سخاوت و اقتصادی بودن، صبر و سرعت، قاطعیت و انتقادپذیری و...). درباره ارتباط این عوامل با عامل محوری یعنی بصیرت باید اشاره کرد که فهم درست و عمیق و بلندنظرانه - که

همان معنای بصیرت است - از مسئله و شرایط آن، وقتی میسر می‌شود که تصمیم‌گیرنده گرفتار اضطراب و فضای هیجانی نباشد، و این حالت بیش از همه بر اثر عامل توکل ایجاد می‌شود. از سوی دیگر فهم درست و عمیق - یا همان بصیرت - وقتی کامل می‌شود که تصمیم‌گیرنده تنها به حاصل فکر خود بسنده نکند و از نظرات دیگران نیز بهره‌گیرد، و این همان عامل مشورت است. از سوی دیگر همان‌طور که اشاره شد، یکی از جنبه‌های بصیرت، بصیرت داشتن در دین است. از بایسته‌های بصیرت در دین (همان‌طور که از احتجاج امام صادق علیه السلام در مقابل صوفیه قابل فهم است) عدم افراط و تفریط و تأکید بیجا و بدون شناخت بر یکی از آموزه‌های دینی بدون در نظر گرفتن کلیت پیکره آموزه‌های دینی است (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۲)، این عامل مهم نیز به‌طور مستقیم با عامل اعتدال‌گرایی مرتبط است. البته باید افزود که بصیرت وجودی مستقل دارد و لذا این عوامل، شرط کافی برای شکل‌گیری بصیرت نیستند؛ هرچند می‌توان آنها را شرط لازم دانست.

۳-۱-۴. متغیرهای زمینه‌ساز

توجه به علم جایگاهی ویژه در ادبیات اسلامی دارد. در اهمیت این موضوع همین بس که بخش عظیمی از احادیث شیعه در این باره است؛ به گونه‌ای که بخش علم در کتاب بحارالانوار چندین جلد است (مجلسی، ۱۴۰۳). مردم‌دوستی نیز از آموزه‌های اساسی در ادبیات دینی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله رحمه للعالمین خطاب شده است (انبیاء: ۱۰۷) و این خود نشان‌دهنده اهمیت عامل مردم‌دوستی است. قدرت و دایره تصمیم‌گیری انسان در گرو میزان اختیار و اراده اوست. بر همین اساس نگرش صحیح به دامنه اختیار انسان در عالم خلقت در فهم چگونگی تصمیم‌گیری او تأثیری بنیادین دارد. عوامل نگرش لا جبر و لا تفویضی و توجه به سنن الهی نیز در احادیث شیعه بیان شده‌اند و می‌توان بسیاری از این احادیث را در بخش توحید کتب حدیثی یافت، که برای رعایت اختصار از ذکر آنها می‌پرهیزیم (مجلسی، ۱۴۰۳). گفتنی است که نگرش لا جبر و لا تفویضی و توجه به سنن الهی، تأثیری بسزا در ایجاد توکل صحیح دارند. به‌علاوه اهمیت قائل شدن برای مردم و مردم‌دوستی خود پیش شرط استفاده از نظرات آنها و مشورت است. همچنین استفاده از تجارب و دانش بشری نیز مقوم عامل اعتدال‌گرایی است.

۴-۱-۴. متغیرهای بازدارنده

شهید مطهری به‌طور مفصل درباره مشکلات و معایب توجه صرف به ارزش‌های تک‌بعدی استدلال کرده است (مطهری، ۱۳۸۲). از دیگر سوی عواملی چون پرهیز از تبلی، خرافه‌گرایی

و دنیاپرستی نیز اهمیت دارند و در کتب اخلاق اسلامی و احادیث شیعه از جایگاه ویژه خود برخوردارند. باید افزود که تبلی و خمودگی و خرافه‌گرایی هر یک به نحوی مانع توکل صحیح است. همچنین دنیاپرستی جدا از اینکه در تقابل صریح با اخلاص است، مانعی برای عامل محوری این پژوهش نیز به شمار می‌آید؛ چراکه با علاقه بیش از حد به دنیا دیگر روشن‌بینی و فهم عمیق و بینش دقیق حاصل نمی‌شود؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: علاقه به دنیا انسان را کور و کر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۶).

۵-۱-۴. نتایج و پیامدها

از مهم‌ترین نتایج تصمیم‌گیری اسلامی، رفع تکلیف از انسان و برائت ذمه است. مسئله برائت ذمه که در ارتباط با «مأمور بودن انسان به وظیفه» است، جایگاهی اساسی در فقه شیعه دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۰). علاوه بر این اثربخشی دنیوی، عاقبت‌به‌خیری، اطمینان‌بخشی و مقبولیت نزد افراد نیز از نتایج تصمیم‌گیری اسلامی است. شاید بتوان عدم اختصاص نصرت الهی به جهان آخرت را - که با توجه به آیات قرآن اثبات‌پذیر است (غافر: ۵۱) - از دلایل اصلی وجود این نتایج و پیامدها برای تصمیم‌گیری اسلامی دانست. در واقع شخص با تصمیم‌گیری اسلامی که مصداق انتخاب درست و حق است، مستحق نصرت الهی می‌شود و نصرت الهی نیز فواید دنیوی و اخروی فراوانی دارد که در نتیجه تصمیم‌گیری اسلامی، این نتایج نصیب تصمیم‌گیرنده می‌شود. از میان روابط فراوانی که بین این بخش با دیگر بخش‌های مدل برقرار است، می‌توان به رابطه مستقیم بین دو ویژگی مقبول کارکنان بودن و اثربخشی دنیوی با عامل مشورت اشاره کرد. باید افزود که وجود بصیرت شرط لازم برای رسیدن به یکایک نتایج بیان شده است؛ چراکه - با در نظر گرفتن سه بعد اصلی بصیرت که پیش از این بررسی شد - اگر بصیرت در مسئله نباشد، نتایج دنیوی زیر سؤال می‌روند، و اگر بصیرت در دین نیز نباشد، نتایج اخروی و برائت ذمه از بین می‌روند. همچنین ویژگی مقبولیت برای کارکنان نیز متأثر از وجود بصیرت در جامعه (محیط سازمان) است.

۲-۴. گام دوم: حجیت‌محور ساختن تصمیم‌گیری اسلامی

در این بخش باید تبیین کنیم که چگونه از کارایی عملیاتی تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور نقش آن در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری را نتیجه می‌گیریم. هر نظریه تصمیم‌گیری در صورتی کاربردی است که پیش از هر چیز تصمیم‌گیرنده رغبت کند تا از آن استفاده کند و در ادبیات مدیریت مدرن نیز اگر یک نظریه سودمندی و کارایی عملیاتی نداشته باشد، هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای

از آن استفاده نمی‌کند. پس نخستین گام برای کاربردی ساختن تصمیم‌گیری اسلامی، ایجاد کارایی عملیاتی برای آن است.

برای ایجاد کارایی عملیاتی در نظریه تصمیم‌گیری اسلامی، باید به سراغ مسئله حجیت برویم و نشان می‌دهیم که تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور کارایی عملیاتی دارد و لذا باید برای کاربردی شدن تصمیم‌گیری در گام اول آن را حجیت‌محور کنیم. به این منظور لازم است بحث را از چگونگی نتایج تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور آغاز کنیم.

تا بدینجا مبانی نظری تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور در اندیشه اسلامی کانون بحث قرار گرفت و چستی این نظریه نیز تبیین شد. به‌علاوه اشاره شد که این نظریه در مقام عمل بسیار پرکاربرد است و اگر تصمیم‌گیرندگان سازمانی قصد تصمیم‌گیری بر اساس احکام اسلامی داشته باشند - با توجه به اینکه رسیدن به حکم واقعی در این مسائل تقریباً بعید است - راهی به جز تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور ندارند؛ اما با توجه به ماهیت کاربردی و عملیاتی علم مدیریت، لازم است درباره کارایی عملیاتی این نظریه نیز بحث کنیم. به عبارت بهتر، تا کنون متوجه شدیم که وظیفه ما در هنگام نرسیدن به حکم واقعی رجوع به تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور است؛ اما نتایج چنین تصمیم‌گیری‌ای چگونه است، و کارایی عملیاتی آن در چه حدی است؟

در این باره نخست باید اشاره کنیم که ما معتقدیم شارع اسلام آفریننده جهان و قوانین حاکم بر آن است و لذا عمل به قوانین و فرامین او - یعنی احکام واقعی - بیشترین کارایی عملیاتی را دارد؛ چراکه اوست که این عالم را آفریده است و لذا او بهتر از هر کسی می‌داند چگونه می‌توان بهتر از این عالم استفاده کرد (طه: ۱۲۴؛ رعد: ۱۹-۳۰؛ آل‌عمران: ۴۲). البته در اینجا نباید کارایی عملیاتی را با سود مادی - که محور تصمیم‌گیری غربی است (مارتین، ۲۰۰۶، ص ۲۰۲) - مساوی در نظر گرفت؛ بلکه منظور سود واقعی و رشد است (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۲۰۹).

اکنون پرسش این است که آیا تغییر از تصمیم‌گیری اسلامی بر مبنای احکام واقعی (که کارایی عملیاتی حداکثری دارد)، به تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور، موجب کاهش این کارایی عملیاتی می‌شود یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش بر اساس منابع دینی و دیدگاه‌های فقها، به طور کلی می‌توان گفت که سود و رشد اصلی (که هدف اصلی هر عمل و تصمیم از منظر اسلامی است) در عمل به وظیفه است (نساء: ۱۳ و ۱۴؛ هود: ۷) و همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد، وظیفه تصمیم‌گیرندگان در هنگام دسترس نداشتن به حکم واقعی، عمل به تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور است؛ بنابراین تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور از آنجاکه عمل به وظیفه است، از منظر اسلامی مهم‌ترین جزء

کازایی، یعنی رسیدن به رشد و عاقبت به‌خیری را در خود دارد.

۳-۴. گام سوم: معطوف کردن تصمیم‌گیری اسلامی به مصلحت

پس از تبیین تصمیم‌گیری اسلامی حجیت محور و معرفی حجیت به عنوان دومین گام کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی، لازم است مسئله مصلحت به عنوان دومین گام کاربردی‌سازی بررسی شود. به همین منظور در گام سوم این مقاله، جایگاه مصلحت در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی واکاوی می‌گردد.

در تبیین چرایی رعایت مصلحت به عنوان گام سوم باید گفت که سود مادی و معنوی شخصی با رجوع به حجیت در تصمیم‌گیری تأمین می‌شود. حال در گام سوم با توجه به اصالت توأمان فرد و جامعه باید فرایندی پیموده شود که تصمیم‌گیری، سود واقعی جامعه مسلمین را نیز در بر داشته باشد. این فرایند همان توجه به مصلحت در تصمیم‌گیری است. لذا در این گام، تصمیم‌گیری مصلحت‌سنجانه را کانون توجه قرار می‌دهیم و ویژگی‌های آن را تبیین می‌کنیم. به این منظور به صورت کاربردی ضوابط شناسایی مصلحت را به صورت زیر بیان می‌کنیم:

نخست باید یادآور شویم که منظور از شناسایی ضوابط و معیارهای تشخیص مصلحت در گفتمان تصمیم‌گیری اسلامی را به‌سادگی می‌توانیم بدین صورت بیان کنیم: «چگونگی شناسایی شرایط و عواملی که وجودشان سبب می‌شود حکم یک مسئله مورد تصمیم از حکم اولیه به حکم ثانویه تغییر کند».

البته بررسی تفصیلی شناسایی ضوابط و معیارهای تشخیص مصلحت ما را از هدف و نیاز اصلی خودمان دور می‌کند. در ادامه می‌کوشیم از آثار پژوهشگران این عرصه بهره بگیریم و به صورت کاربردی و عملیاتی معیارهایی را به تصمیم‌گیرندگان معرفی کنیم که اگر در شرایطی برای تصمیم‌گیری قرار داشتند، مسئله را شناسایی، و طبق اصل مصلحت رفتار کنند.

گفتنی است از آنجاکه تصمیم‌گیرنده اسلامی خود را نسبت به اجرای اهداف، خواسته‌ها و احکام اسلام موظف و ذی‌حق می‌داند، از باب تقابل حقوق و تکلیف (مطهری، ۱۳۹۰) به تناسب وظیفه و حق اجرای خواسته‌های اسلام، حق تشخیص مصلحت اجرای آن خواسته‌ها نیز به او واگذار شده است (صرامی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳ و ۱۳۸۸، ص ۲۵۵). در ادامه پس از اشاره اجمالی به ضوابطی که در پژوهش‌های این عرصه ذکر شده‌اند، می‌کوشیم مهم‌ترین ضوابط شناسایی مصلحت را به شکل کاربردی مطرح سازیم. با توجه به انتقاداتی که درباره برخی از این ضوابط مطرح شده است (بیگدلی و فرج‌پور، ۱۳۹۲) تلاش شده است تا ضوابطی که نسبتاً مورد اجماع

صاحب‌نظران این عرصه هستند به صورت کاربردی و اختصاری بیان شوند. در ادامه ضمن ارائه هر یک از این ضوابط، به تبیین آنها در تصمیم‌گیری و دلیل توجیهی هر یک اشاره شده است.

۱-۳-۴. مصالح باید داخل در اهداف و انگیزه‌های عام و فراگیر اسلام برای اداره و هدایت جامعه باشد

نخستین اصل در تشخیص مصلحت - همان‌طور که درباره اهمیت مصلحت برای کاربردی‌سازی و فراگیر شدن کاربرد تصمیم‌گیری اسلامی نیز گفته شد - تأثیرگذاری عاملی که برای آن مصلحت‌سنجی می‌کنیم در اهداف و انگیزه‌های عام اسلام و جامعه اسلامی است. برای نمونه یک تصمیم‌گیری دولتی را در نظر بگیرید. حکم اولیه این است که دولت نمی‌تواند در کسب و کارهای حلال مردم دخالت کند؛ اما با توجه به نخستین ضابطه شناخت مصلحت، می‌توانیم حق تصمیم‌گیری‌های فراوانی را که در کسب و کارهای حلال مردم نیز مؤثر و مداخله‌گرند، برای دولت قائل شویم. برای نمونه دولت می‌تواند تولید یک نوع خودروی قدیمی را (که واضح است از لحاظ شرعی نیز حلال است) به منظور پیشرفت صنعت خودروسازی کشور - که به نفع همه مصرف‌کنندگان خودرو، یعنی تقریباً همه افراد جامعه اسلامی است - ممنوع کند. برای توضیح بیشتر این اصل باید گفت مصالح باید جهت‌دار و به سمت تحقق هر چه بهتر و بیشتر اهداف متعالی اسلام در جهت سعادت جامعه انسانی باشند. دلیل این ضابطه بر اساس آیات و روایات فراوانی که در آنها برای حرکت جامعه، اهداف و انگیزه‌های متعددی بیان شده، اثبات‌پذیر است. در حقیقت، این آیات و روایات، هم اثبات می‌کنند که مصلحت‌اندیشی در جامعه باید در جهت اهداف معین باشد و هم آن اهداف را تعریف و مشخص می‌نمایند.

۲-۳-۴. عدم مخالفت مصالح تشخیص داده شده با احکام کلی شرعی

این ضابطه به عبارت ساده به این معناست که عاملی را که می‌خواهیم مصلحت به حساب آوریم، نباید مخالفتی با احکام کلی شرعی که به صورت احکام اجتماعی اسلام استنباط می‌شوند، داشته باشد. البته این قاعده را باید در کنار قاعده اهم و مهم (که در ادامه به آن اشاره می‌شود) کانون توجه قرار داد. برای نمونه، تصمیم‌گیری درباره ارتباط برقرار کردن با یک کشور، شرکت و یا حتی فرد دیگر را در نظر بگیرید. فرض می‌کنیم در نظر گرفتن این عامل در تصمیم‌گیری، ضابطه اول تشخیص مصلحت را داشته باشد، اما با احکام کلی شرعی در عرصه اجتماعی مثل عدم انظام مخالفت

داشته باشد؛ در این صورت نمی‌توان بر اساس مصلحت حکم به برقراری رابطه را صادر کرد. برای توضیح بیشتر باید افزود پیش فرض مصلحت در مرحله سوم و فضای ترسیم‌شده برای آن، یعنی به صورت پایه مدیریت جامعه و صدور احکام حکومتی این است که حکومت اسلامی، مأمور و ذی حق اجرای احکام و خواسته‌های اسلام در صحنه اجتماع و اداره جامعه باشد. یک جنبه از این پیش فرض، خود را در ضابطه اول که لزوم محور و هدف قرار گرفتن خواسته‌های کلی و اساسی اسلام است، نشان داد. اکنون با این فرض که در اسلام، احکام کلی معینی وجود دارند که حکومت اسلامی مأمور اجرای آنهاست، مصلحت‌اندیشی حکومت باید در چارچوب این احکام (که ممکن است به صورت قوانین حقوقی نظام اسلامی هم تنظیم شده باشند) قرار گیرد.

اصل این ضابطه با توجه به پیش فرض گفته‌شده انکارشدنی نیست؛ ولی درباره آن پرسش‌های فراوانی قابل طرح است که بسیاری از آنها در اذهان کسانی که روند مصلحت‌اندیشی در نظام اسلامی را دنبال می‌کنند، مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه آیا مقصود از احکام کلی شرعی، احکامی است که در فقه موجود و مدون آمده‌اند؟ بنا بر نظر کدام فقیه یا کدام دسته از فقیهان: مشهور؟ مشهور معاصران؟ مشهور گذشتگان؟ چگونه و به چه ترتیبی می‌توان مشهور را به دست آورد؟ آیا مقصود، استنباط جدید است؟ استنباط کدام فقیه یا کدام دسته از فقیهان؟ آیا استنباط احکام شرعی برای صحنه اجتماع، ضوابط خاصی را برای اجتهاد می‌طلبد؟ (مانند تأکید بر رعایت عنصر زمان و مکان در اجتهاد) آیا ضوابط مقرر در اصول فقه موجود، پاسخ‌گوست؟ کدام اصول فقه موجود؟ اصول فقه طویل و عریض با دقت‌های عقلی فراوان یا اصول فقه ساده‌تر و عرفی‌تر؟ یا اینکه آیا عملیاتی کردن این ضابطه، محدود کردن و بلکه منسود کردن تصمیم‌ها و روند اداره جامعه را در پی ندارد؟ راهی برای برون‌رفت از آن با ملاحظه و رعایت این ضابطه وجود دارد یا عملاً به از دست رفتن آن تن داده خواهد شد؟

البته بسیاری از این پرسش‌ها درباره ضابطه اول نیز به صورتی کلی‌تر و کلان‌تر مطرح‌اند؛ ولی از آنجاکه ضابطه اول، نقش دین و شریعت را در مصلحت‌اندیشی به صورتی بسیار کلی‌تر و به طور طبیعی منعطف‌تر و قابل‌تفسیرهای بیشتر بیان می‌کند، اشکالات و پرسش‌ها درباره آن کمتر گلوگیر و حاد می‌نماید (صرامی، ۱۳۸۳). همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، نگرش سیستمی به این قاعده و در نظر گرفتن آن در کنار دیگر قواعد فقهی و ضوابط تشخیص مصلحت پاسخ‌گوی این چالش‌هاست.

۳-۳-۴. رعایت قانون اهم و مهم

صرف نظر از یک ضابطه در تشخیص مصلحت، رعایت اهم و مهم، به قدری مهم و ضروری است که به صورت مجزا قاعده‌ای فقهی نیز به شمار می‌آید. به علاوه پژوهشگران برخی قواعد را ذیل این قاعده تعریف کرده‌اند که تبیین‌کننده چگونگی شناسایی اهم از مهم هستند. این قواعد بدین شرح‌اند:

(الف) زمان‌شناسی و مکان‌شناسی دقیق، (ب) دوراندیشی و همه‌جانبه‌نگری، (ج) غایت‌مداری، (د) تقدیم جامعه بر فرد (تقدیم سازمان به عنوان بخشی از جامعه بر فرد)، (ه) ابتدا بر خبرویت و مشورت (ایزدهی، ۱۳۹۲).

در انتها باید یادآور شد که با توجه به غلبه بُعد اجتماعی در مصلحت، برای تبیین کاربردی این مفهوم بیش از هر چیز لازم است به تجربه حکومت‌داری شیعه مراجعه شود. از سویی برای به‌روز بودن مباحث لازم بود در کنار اشاره به دیگر تجارب حکومت‌داری شیعه و استفاده از آموزه‌های حاصل از آنها، مسئله مصلحت و معیارهای تشخیص آن بیشتر در جمهوری اسلامی کانون توجه قرار گیرد.

۴-۴. گام چهارم: سیره‌پژوهی عملیاتی

تا بدینجا گام‌های اساسی در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی از جهات پرشماری بررسی شد. در گام دوم آموختیم که چگونه با حجیت‌محور ساختن تصمیم‌گیری اسلامی، میل هر مخاطب را به استفاده از این نظریه برانگیزیم. در گام سوم نیز چگونگی فراگیر ساختن استفاده از این نظریه تصمیم‌گیری را - با استفاده از مصلحت - بررسی کردیم. اما هنوز تقریباً چیزی درباره چگونگی اجرایی کردن این گام‌ها و مهم‌تر از آن چگونگی اجرایی کردن آموزه‌های مختلف مؤثر در نظریه نظام‌مند تصمیم‌گیری - که در بخش اول مقاله ارائه شد - نمی‌دانیم. در واقع تا بدین جای کار، بر روی کاغذ می‌دانیم که تصمیم‌گیری اسلامی دقیقاً چیست، و برای اینکه قابلیت اجرا و کاربرد در جامعه داشته باشد باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؛ اما هنوز راهکار اجرایی جامعی پیش روی مدیران قرار نداده‌ایم.

در این گام قصد داریم راهکاری را پیش روی مدیران مسلمان بگذاریم که هر کدام خود بتوانند آستین بالا زنند و وارد عمل شوند و تصمیمات سازمان‌هایشان را اسلامی کنند. لذا این گام، یعنی سیره‌پژوهی عملیاتی، بدین صورت برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی در نظر گرفته شده است: «مشاهده و الگو قرار دادن یک تصمیم‌گیری هم‌نهیشت در سیره معصومین: - که بر

اساس آموزه‌هایی مشابه اخذ شده باشد- نخستین گام در این عرصه و گام سوم در کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی است».

در اینجا لازم است منظور از تصمیم‌گیری هم‌نهیست را توضیح دهیم. منظور از تصمیم‌گیری هم‌نهیست در سیره اهل‌بیت: تصمیم‌گیری‌ای است که پس از طی فرایند «القای خصوصیت» از آموزه‌های مشابهی در نظریه تصمیم‌گیری اسلامی نشئت گرفته باشد. به عبارت ساده‌تر، دو تصمیم‌گیری هم‌نهیست از حیث عوامل آفاقی و انفسی دخیل یک‌سان هستند، هرچند ممکن است شرایط و عواملی که خاص زمان، مکان و اشخاص است، در آنها متفاوت باشد. باید افزود که با فرایند القای خصوصیت، تأثیر این شرایط خاص زمان، مکان و اشخاص شناسایی و نادیده گرفته می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، در فرایند القای خصوصیت ما تصمیم‌گیری را نسبت به شرایط خاص تحلیل حساسیت می‌کنیم و هنگام الگو قرار دادن، آن میزان حساسیت را در نظر گرفته، در تصمیم‌گیری دخیل نمی‌سازیم. با این همه، القای خصوصیت مبحثی پیچیده در اصول فقه است که در انتهای همین بخش از مقاله تلاش شده است تا در ساده‌ترین و موجزترین بیان تبیین شود.

اما به‌راستی چگونه ممکن است برای تصمیم‌گیری‌های امروز سازمانی، تصمیمی هم‌نهیست از سیره اهل‌بیت بیابیم. در نگاه اول این امر برای بسیاری غیر ممکن می‌نماید. تصمیماتی چون جذب و ارتقای سرمایه‌های انسانی، استفاده از یک تکنولوژی از میان دیگر تکنولوژی‌های بدیل، انتخاب یک راهبرد از میان راهبردهای پیشنهادی، چیدمان سازمانی و امثال آن را در نظر بگیرید. چگونه می‌توان برای چنین تصمیماتی از سیره اهل‌بیت نمونه‌های تصمیم‌گیری هم‌نهیست یافت؟

باید اذعان کرد که پیمودن این فرایند هرگز کاری ساده نیست. به عبارت دقیق‌تر، هرگز نباید توقع داشت که با نگاه به تصمیم سازمانی مورد نیاز و نگاهی اجمالی به سیره اهل‌بیت، در جست‌وجوی شباهت باشیم و پس از به دست آوردن یک ماجرای تاریخی مشابه، این شباهت را دستمایه قرار دهیم و در تصمیم خود مطابق آن واقعه تاریخی عمل کنیم. این تقریباً استفاده‌ای کاریکاتوری از سیره اهل‌بیت: در تصمیم‌گیری است و بدیهی است که به نتایجی به همین میزان کاریکاتوری و نادرست نیز می‌انجامد.

در شکل درست، ابتدا باید عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری را شناسایی کرد و پس از آن با مراجعه به نظریه تصمیم‌گیری اسلامی و مجموعه آموزه‌های تأثیرگذار در تصمیم‌گیری، فهرست اولیه آموزه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری را نیز ایجاد نمود. سپس باید در سیره به واقعه‌ای رجوع کرد که فهرست عوامل تأثیرگذار آن مشابه با تصمیم‌گیری مورد نیاز ما باشد و فهرست آموزه‌های اسلامی مؤثر در این تصمیم‌گیری معصوم را نیز باید استخراج کرد. در صورتی که مجموعه فهرست اولیه

آموزه‌های اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری ما زیر مجموعه فهرست مرتبط با تصمیم‌گیری معصوم باشد، باید فرایند القای خصوصیت را در تصمیم‌گیری اعمال کنیم. در گام بعدی، درباره القای خصوصیت بیشتر می‌آموزیم.

۴-۵. گام پنجم: القای خصوصیت در وقایع سیره‌پژوهی

پنجمین گام برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی، القای خصوصیت است. همان‌طور که اشاره شد، با انجام سیره‌پژوهی عملیاتی، درس‌های کاربردی فراوانی درباره چگونگی کاربردی‌سازی و مسائل مهم در این عرصه از جمله اولویت‌بندی آموزه‌ها به دست می‌آوریم. حال در این گام نهایی می‌کوشیم تا اختصاص و ویژگی موضوع‌گیری‌ها و تصمیمات را از آنها حذف کنیم. به عبارت دقیق‌تر در هر مسئله متغیرهای مختلفی وجود دارند که بر مسئله تأثیرگذارند و ما در فرایند القای خصوصیت تنها قصد داریم متغیرهای مزاحم را حذف کنیم و با در نظر گرفتن متغیرهای مستقیم و غیرمستقیم مسئله، جهت‌گیری معصوم را الگوی خویش قرار دهیم.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این نیز گذشت، کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی از جهات مختلفی ضرورت و اهمیت دارد. اهمیت فعل تصمیم‌گیری در مدیریت، مشحون از ارزش‌ها بودن هر تصمیم و پرسیامد بودن فعل تصمیم‌گیری، همه بر اهمیت و ضرورت کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی می‌افزایند.

به‌علاوه دیدیم که چطور با روش‌شناسی مبنای‌گرایی می‌توان از ریشه‌ها به شاخه‌ها رسید و به صورت اجرایی و عملی، گام‌های کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی را استخراج کرد. در این راستا نخست هر یک از گام‌های «اجماع بر نظریه تصمیم‌گیری اسلامی»، «حجیت‌محور ساختن تصمیم‌گیری اسلامی»، «معطوف ساختن تصمیم‌گیری اسلامی به مصلحت»، «سیره‌پژوهی عملیاتی» و «القای خصوصیت» تبیین شدند و سپس چگونگی اجرایی کردن آنها برای کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی تشریح گشت.

باید تأکید کرد که کاربردی‌سازی تصمیم‌گیری اسلامی حجیت‌محور فواید عملی و نظری بی‌شماری دارد. واضح است که با کاربردی‌سازی این نظریه، مدیران مسلمان هر روز و هر ساعت می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی خود از آموزه‌های اسلامی استفاده کنند و مطمئن باشند که در عرصه زندگی کاری خود نیز بدون هیچ‌گونه تعارضی مطابق با اعتقادات و ایمان خود عمل

می‌کنند. البته واضح است که این اثر گامی کوچک و البته آغازین برای این هدف بزرگ است. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران با در نظر قرار دادن شرایط مختلف تصمیم‌گیری، نظامی از شرایط مختلف را طراحی کنند و تصمیم‌گیری اسلامی کاربردی را در هر یک از این شرایط تبیین نمایند. چنین پژوهشی می‌تواند «تصمیم‌گیری اسلامی-اقتضایی» را به عنوان برون‌داد، مشخص کند. به‌علاوه قویاً پیشنهاد می‌شود که آموزه‌های اسلامی مؤثر در تصمیم‌گیری (که در این پژوهش به بیش از هفتاد مورد از آنها اشاره شد) اولویت‌بندی شوند. باید تأکید کرد که اولویت‌بندی این آموزه‌ها می‌تواند در تکمیل نتایج پژوهش حاضر به صورت جدی تأثیرگذار باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امام جعفر بن محمد الصادق (ع) (۱۴۰۰). مصباح الشریعه. بیروت: اعلمی
۲. اسمیت، جین (۱۳۸۰). تصمیم‌گیری مناسب در ۳۰ دقیقه. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری نگاه فردا.
۳. افجه، سیدعلی اکبر، و حمزه‌پور، مهدی (۱۳۹۳). رهیافتی جامع از نظریه رهبری کوانتومی و کاربردهای آن در سازمان، اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۶: ۱۶۱-۲۰۴.
۴. امیدی کیا، کامران و همکاران (۱۳۹۱). شناخت قابلیت‌های سازمانی جایگاه‌سازی برند شرکت در صنعت مواد غذایی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۱: ۳۵-۷۲.
۵. امیری، علی نقی (۱۳۸۸). مدیریت اسلامی رویکرد فقهی اجتهادی، روش‌شناسی علوم انسانی. ۳۰-۵۵.
۶. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰). فرائد الاصول (رسائل شیخ الاعظم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۲). ضوابط مصلحت در فقه شیعه، سیاست متعالیه. ۱.
۸. بازرگان، عباس (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکرد متداول در علوم رفتاری. تهران: دیدار.
۹. باقری، خسرو (۱۳۸۷). هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد. چاپ دوم.
۱۰. باقریان، محمد (۱۳۸۰). تصمیم‌گیری حکیمانه رویکردی جدید به الگوسازی در مدیریت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۱. بحرانی، ابن میثم بن علی (۱۴۰۶). قواعد المرام فی علم الکلام. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۲. بدری، تحسین (۱۴۲۸ق). معجم مفردات أصول الفقه المقارن. تهران: المشرق للثقافة والنشر.
۱۳. بهشتی‌نژاد، سید محمود و همکاران (۱۳۹۲). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. جوادی آملی، مرتضی (۱۳۷۲). نحوه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی، مدیریت دولتی. ۲۳ (دوره جدید).
۱۵. حجازی‌فر، سعید و خانی، علی (۱۳۹۴). مأخذشناسی تحلیلی کتب مدیریت اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۱۷. حسینی، محمد (۱۴۱۵ق). معجم المصطلحات الاصولیه. بیروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.
۱۸. حسینی، محمد (۲۰۰۷). تطبیقات فقهیه لمصطلحات علم الاصول. دمشق: تراث الدینی.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۳۳). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: مؤسسه النشر

الاسلامی.

۲۰. حمزه پور، مهدی و مرتجی، نجمه سادات (۱۳۹۳). مدل‌های ذهنی؛ هم‌ترازی طراحی استراتژی با رفتار انسان. انتشارات هاوژین.
۲۱. حمزه پور، مهدی (۱۳۹۲). بهره‌وری سبز. تهران: انتشارات پلک.
۲۲. حمزه پور، مهدی و همکاران (۱۳۹۲). همگرایی نهادهای حاکمیتی در راستای تکامل اجتماعی با رویکرد اسلامی، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی. جلد ششم: کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی. ۳۰۷-۳۲۱.
۲۳. حمزه پور، مهدی (۱۳۸۴). تبیین و ارزیابی مدل بهره‌وری سبز در سازمان‌های خدماتی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. حمزه پور، مهدی (۱۳۹۱). الگوی بومی رهبری کوانتومی در شرکت‌های دانش‌بنیان ایران، رساله دکتری تخصصی. تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی؛.
۲۵. حمزه پور، مهدی و جوادی، سیدمجتبی (۱۳۹۴). تبیین و مقایسه مبانی نظری مدیریت دانش از دیدگاه اسلام و غرب، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.
۲۶. خان‌محمدی، هادی و باقری، مصباح‌الهدی (۱۳۸۹). طراحی مدل مفهومی نظام علمی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، اندیشه مدیریت راهبردی، ۷: ۵-۴۰.
۲۷. خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۳). کفایة الاصول. قم: انتشارات لقمان.
۲۸. خندان، علی اصغر (۱۳۸۷). ارزش و روش، الگوی برنامه‌ریزی در دانشگاه اسلامی، با تأکید بر دیدگاه شهید مطهری، ارزش دانش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۲۱-۱۷۶.
۲۹. خندان، علی اصغر (۱۳۸۸). درآمدی بر علوم انسانی اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۰. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲). محاضرات فی الاصول الفقه. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی.
۳۱. دراکر، پیتر (۱۳۹۰). مدیریت. ترجمه حسین محبی. تهران: آوای نور.
۳۲. دفت، ریچارد آل (۱۳۹۰). مبانی تئوری و طراحی سازمان. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۶). لغتنامه دهخدا. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۳۴. دهقانی، لیلا و همکاران (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ادراک عدالت بر تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، مدیریت اسلامی، ۲.
۳۵. رابینز، استیفن پی و دی سنزو، دیوید ای. (۱۳۸۸). مبانی مدیریت. ترجمه سیدمحمد اعرابی و همکاران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ سیزدهم.

۳۶. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه الامام مهدی علیه السلام.
۳۷. رضائیان، علی (۱۳۹۰). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت. چاپ شانزدهم.
۳۸. رمضان‌ی، حسین و علی‌اکبری، حسن (۱۳۹۱). بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی، مدیریت اسلامی، ۳: ۱۴۹-۱۷۵.
۳۹. زبیدی، زبیر الله (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۴۰. سایمون، هربرت ای. (۱۳۷۱). رفتار اداری بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری. ترجمه محمدعلی طوسی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۴۱. صالح‌پور، جهانگیر (۱۳۷۴). فرایند عرفی شدن فقه شیعه: پا در رکاب مکتب عرفی، دل در گرو شاهد قدسی. کیان. ۲۴.
۴۲. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸). مباحث الاصول. قم: مطبعة مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴). اقتصادنا. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۴۴. صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۳). درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه، قیاسات. ۳۲.
۴۵. _____ (۱۳۸۰). احکام حکومتی و مصلحت. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
۴۶. _____ (۱۳۸۲). منابع قانون‌گذاری در حکومت اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۷. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۱). کتاب الغیبة. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۴۸. طوسی، محمدبن‌الحسن (بی‌تا). الفهرست. نجف الاشرف: المکتبه المرترضیه.
۴۹. عزیزی، سیدمجتبی (۱۳۹۲). درآمدی بر آموزش تحلیل سیاسی. تهران: شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، معاونت فرهنگی. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۵۰. عزیزی، مهدی و بختیاری، حسین (۱۳۹۶). تصمیم‌گیری حجیت‌محور، جای‌گزینی بهینه برای تصمیم‌گیری رضایت‌بخش در ادبیات تصمیم‌گیری اسلامی، کنگره علوم انسانی اسلامی.
۵۱. عزیزی، مهدی و رازینی، روح‌الله (۱۳۹۴). طراحی مدل تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی، مدیریت اسلامی، ۴.
۵۲. عزیزی، مهدی و همکاران (۱۳۹۶). بررسی و نقد تأثیر مکتب فایده‌گرایی بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و مقایسه آن با نظریه رشد اسلامی، مدیریت اسلامی. ۲.
۵۳. عزیزی، مهدی و لطیفی میثم (۱۳۹۴). بررسی دلالت‌های مدیریتی سیره حضرت علی (ع) در عرصه سازماندهی، مطالعه موردی شرطه الخمیس، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج. شماره ۶۶. ۵-۳۰.
۵۴. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق). الفروق الغویه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۵۵. علوی، سیدعلی (۱۳۸۶). درآمدی بر تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی بر تصمیم‌گیری، اندیشه مدیریت. ۱.
۵۶. فرج‌پور، علی‌اصغر و بیگدلی، عطا (۱۳۹۲). رهیافتی نوبه ضوابط تشخیص مصلحت، از ضابطه تا فرایند، سیاست‌های راهبردی و کلان. ۲.
۵۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹). الکافی. قم: دارالحدیث. چاپ چهارم.
۵۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ دوم.
۵۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛
۶۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). اسلام و مقتضیات زمان. جلد ۱. تهران: انتشارات صدرا. چاپ یازدهم.
۶۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). امدادهای غیبی در زندگی بشر. تهران: انتشارات صدرا. چاپ سی و هفتم.
۶۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). انسان کامل. تهران: انتشارات صدرا. چاپ بیست و سوم.
۶۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان و ایمان). تهران: انتشارات صدرا. چاپ بیست و هشتم.
۶۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امدادهای غیبی در زندگی بشر. تهران: صدرا. چاپ بیست و پنجم.
۶۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). امامت و رهبری. تهران: صدرا. چاپ ششم.
۶۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۰). صحیفه امام. جلد ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛
۶۷. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ چاپ بیست و چهارم.
۶۸. مینتز برگ، هنری (۱۳۷۱). سازمان‌دهی، پنج الگوی کارساز. ترجمه ابوالحسن فقیهی و حسین وزیری سابقی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۶۹. نائینی، محمدحسین، و خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۹). اجودالتقریرات. قم: مؤسسه صاحب‌الامر علیه السلام.
۷۰. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۴). فوائد الاصول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷۱. وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۵). تقریرات درس خارج فقه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۷۲. هلر، رابرت (۱۳۸۳). تصمیم‌گیری اثربخش. ترجمه سعید علی میرزایی. تهران: انتشارات سارگل.
73. Badaracco, Joseph L. (2016). The “Maximize Profits” Trap in Decision Making. *Harvard Business Review*. SEPTEMBER 19.
74. Bearden, Neil and Connolly, Terry (2008). *On Optimal Satisficing: How Simple Policies Can Achieve Excellent Results*. New York: Springer

75. Bellman, R (1957). *Dynamic Programming*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
76. Bryan D. Jones (2002). Bounded Rationality and Public Policy: Herbert A. Simon and the Decisional Foundation of Collective Choice, *Policy Sciences*. 35(3): 269-284.
77. Cohen, Michael D., March, James G. and Olsen, Johan P., 1972, 'A garbage can model of organizational choice', *Administrative Science Quarterly*, 17 (1): 1-25.
78. Hendry, John (2013). *Management: A very short introduction*. Oxford: Oxford University Press.
79. Joseph, John Klingebiel, Ronald (2016). Centralized Decision Making Helps Kill Bad Products, *Harvard Business Review*. October 18.
80. Kahneman Daniel, Slovic, Paul and Tversky, Amos (1982). *Judgement under Uncertainty: Heuristics and Biases*. Cambridge University Press.
81. Kahneman, Daniel (2011). *Thinking, Fast and Slow*. Allen Lane. New York: Sage.
82. Latty, Tanya and Beekman, Madeleine (2011). Irrational Decision-making in an Amoeboid Organism: Transitivity and Context-dependent Preferences, *Biological Sciences*. 278: 307-312.
83. Lindley, D. V. (1961). Dynamic Programming and Decision Theory, *Applied Statistics*. 10: 39-51.
84. March, James G. (1988). *Decisions and Organizations*. Blackwell.
85. Martin, Lawrence L (2006). *Jeremy Bentham: On Organization Theory and Decision Making, Public Policy Analysis, and Administrative Management*. *Handbook of Organization Theory and Management the Philosophical Approach*. London: Taylor & Francis.
86. McQueen, J. B. and Miller, R. G. (1960). Optimal Persistence Policies, *Operations Research*. 8: 362-380.
87. Mintzberg, Henry (2007). *Tracking Strategies*, New York, Oxford University Press.
88. Pidd, Michael and Lewis, Paul D. (2001). Innovative Research in OR / MS, *European Journal of Operational Research*. no 1, 1-13.
89. Pugh, Derek (ed.) (2008). *Organization Theory: Selected Classical Readings*. 5th edition. New York: Penguin.
90. Schrage, Michael (2016). How the Big Data Explosion Has Changed Decision Making, *Harvard Business Review*.

91. Simon, Herbert A. (1960). *The New Science of Management Decision*. New York: Harpar and row.
92. Simon, Herbert A. (1979). Rational Decision Making in Business Organizations, *The American Economic Review*. 69 (4): 493-513.
93. Simon, Herbert A. (1997). *Administrative Behaviour: A Study of Decision Making Processes in Administrative Organizations*. 4th edition. Free Press.
94. Vroom, Victor H. (1974). A New Look at Managerial Decision Making, *Organizational Dynamics*, 5 (1): 66-80.
95. Wakker, Peter p. (2011). *Prospect Theory*. Cambridge: Cambridge university press.
96. Weick, Karl (1995). *Sense Making in Organizations*. New York: Sage.

